

شهید آمریکایی



سوسن سیرجانی
خبرنگار حوزه فرهنگ

سال‌ها پیش در یک مصاحبه تلویزیونی در آمریکا، از مردم در خیابان‌ها می‌پرسیدند، می‌دانید ایران کجاست؟ بسیاری از مردم اطلاعی درباره ایران نداشتند و حتی نمی‌دانستند کجای کره زمین است. این یک بازی رسانه‌ای بود که به دلایلی مختلف صورت گرفته بود. اما واقعیت چیز دیگری است. در آمریکا شهری به نام پرشیا وجود دارد و بسیاری از افراد اهل مطالعه این کشور درباره تاریخ ایران اطلاعات زیادی دارند. از طرفی، از دوران قاجار که مرادفات بین‌المللی ایران بیشتر از قبل شد، ارتباط میان ایران و آمریکا شکل گرفت. ارتباطی که طی این دو قرن، به واسطه اتفاقات مختلف دچار تحول و تغییراتی شد. جنگ جهانی دوم، کودتای ۲۸ مردادماه سال ۱۳۳۲، انقلاب اسلامی و سیاست‌های بعد از آن هرکدام این رابطه را دچار فراز و فرودهایی کرد. تا به این روزها و خبرهای مذاکرات ایران و آمریکا پس از ۴۰ سال رسیدیم.

این روزها که بحث مذاکره ایران و آمریکا به یکی از داغ‌ترین مسائل روز تبدیل شده و همه می‌دانیم که نتیجه این مذاکرات در جزئی‌ترین مسائل زندگی ما هم اثرگذار خواهد بود، تقویم یادآور تولد و مرگ کسی است که در تاریخ مشهور به تنها شهید آمریکایی مشروطه شده. هوارد کانکلین بسکرول مشهور به هوارد بسکرول، یک معلم مأمور به خدمت در تبریز بود که در جریان انقلاب مشروطه و در دوران استبداد صغیر شهید شد. او روز ۱۰ آوریل ۱۸۸۵، به دنیا آمد و به دلیل خدمت‌های که انجام داد تبدیل به یکی از چهره‌های تاثیرگذار مشروطیت در تبریز شد.

روزگاری یعنی دقیقاً ۱۴۰ سال پیش در یکی از شهرهای آمریکا در یک خانواده کشیش‌زاده، پسری به دنیا آمد به نام هوارد. او پس از گذراندن دوران سربازی و فارغ‌التحصیلی از دانشگاه پرینستون، به پیشنهاد خودش برای قرار گرفتن در یک فضای فرهنگی دیگر در سال ۱۲۸۶ راهی تبریز شد. او برای یک مأموریت دوساله راهی ایران شد و پس از مدتی به عنوان معلم در مدرسه مورال آمریکا در شهر تبریز، مشغول به کار شد. هوارد بسکرول ۲۲ ساله با توجه به دوران سربازی‌ای که گذرانده بود و مهارتی که در رشته مکتب‌دینی داشت، علاوه بر دروس نظری، ورزش و بوکس هم به دانش آموزانش می‌آموخت. این موضوع او را تبدیل به یک چهره محبوب در میان شاگردان کرده بود.

دوم تیرماه ۱۲۸۷، محمدعلی شاه قاجار، مجلس شورای ملی را به توپ بست و بیشتر مشروطه‌خواهان سرکوب کرد. این سرکوب گسترده به تبریز هم رسید، اما مشروطه‌طلبان تبریز در برابر این سرکوب مقاومت کردند و شاه دستور محاصره تبریز را داد. این دستور شروع دوران مبارزات مشروطه‌خواهان تبریز بود که تا اردیبهشت‌ماه ۱۲۸۸ ادامه پیدا کرد. هوارد بسکرول از همان روزهای شروع این مبارزات در پشت جبهه به مبارزات خدمت‌رسانی می‌کرد. اما از جایی به بعد دیگر نتوانست آرام بنشیند و با پیشنهادی که از دوران سربازی داشت، شروع به آموزش نظامی شاگردانش برای آمادگی در برابر نیروهای سلطنتی کرد. این موضوع سرکنسول آمریکا در تبریز را ترساند و حتی پدر و مادر شاگردان او هم نارضادی بودند. اما هوارد دست از آموزش نکشید. در نهایت برای اینکه از زیر فشارها خارج شود در ۱۸ فروردین‌ماه ۱۲۸۸ استعفا خود را از معلمی اعلام کرد تا بتواند به مبارزه و کمک به مشروطه‌خواهان برسد. او در روزهای آخر عمرش حتی فوجی از سربازان آموزش‌دیده تشکیل داده بود به نام فوج بسکرول که نقش مؤثری در ایستادگی مشروطه‌خواهان تبریز داشت. اما در نهایت در شب ۲۹ فروردین‌ماه ۱۲۸۸، با شلیک مستقیم یک تک‌تیرانداز به قلب هوارد بسکرول، شهید شد و او را در قبرستان آشوری‌های تبریز به خاک سپردند. اما او برای مشروطه‌خواهان و مردم تبریز بسیار عزیز و محترم ماند. شایعه‌های هم‌سال هاست در میان مردم وجود دارد که شعری عامیانه قدیمی «سید گل سرخ، یک گل نصرانی، ما را ز سر بریده می‌ترسانید»، درباره هوارد بسکرول و دیگر شهدای مشروطه‌خواه تبریز است. طبق تحقیقات جدید براساس سندهای به دست آمده، این شعر خیلی قبل‌تر از انقلاب مشروطه سروده شده، اما تعمیم‌اش از دید عام مردم به این ماجرا هم بخش دراماتیک حضور او در ایران را پررنگ‌تر می‌کند. نکته جالب‌توجه این است که پس از شهادت او به پیشنهاد برخی از آمریکایی‌ها قرار آن بود، روز ۱۹ آوریل که مصادف است با ۲۹ فروردین‌ماه، روز دوستی ایران‌بان و آمریکایی‌ها نام‌گذاری شود. براساس گفته نزدیکانش، هوارد بسکرول همیشه این جمله را تکرار می‌کرد: «تنها فرق من با این مردم زادگاهم است و این فرق بزرگی نیست». شاید بهتر است تقارن مذاکرات تاریخی پیش‌رو با تولد و مرگ این شهید را به چشم‌یک روزنه امیدوارکننده ببینیم.

چهره

بانوی ترجمه



پری منصوری نویسنده و مترجم ۲۲ فروردین ۱۳۹۹ در لندن در سن ۸۵ سالگی درگذشت. منصوری از زنان مترجم و نویسنده ایرانی است. او در رشته ادبیات انگلیسی و مطالعات اجتماعی از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد و پس از آن تا دهه ۸۰ به صورت مستمر مشغول کار نویسندگی و ترجمه بود. اولین ترجمه منصوری کتاب «امادام کوری» نوشته آلیس ژورن بود که در

سال ۱۳۴۲ به چاپ رسید. این کتاب جایزه بهترین ترجمه سال را به دست آورد. منصوری در همان سال‌ها با محمود کیانوش یکی از نویسندگان حوزه کودک و اعضای اصلی کانون پرورش فکری ازدواج کرد. پس از این ازدواج او همچنان مشغول ترجمه و تدریس زبان انگلیسی در مدارس تهران شد. اما در نیمه دهه ۵۰ منصوری و همسرش تصمیم به مهاجرت از ایران گرفتند و این باعث شد پس از آن بیشتر آثارش را در خارج از ایران بنویسد. یکی از برجسته‌ترین ترجمه‌های منصوری «بچه‌های راه‌آهن» نوشته ادیت نریت بود که در سال ۱۳۵۵ منتشر شد و پس از آن فیلمی براساس آن ساخته و از تلویزیون پخش شد.



ارقام نجومی مخاطبان محدود

بررسی دستمزد سلبریتی‌های ایرانی از حضور در برنامه‌های تلویزیونی

آینده این اتفاق می‌افتد. تمام درآمد من از این برنامه صرف امور خیریه شد. البته اجازه نمی‌دهم برخی افراد که ارزششان فقط ساعت‌روی دست آن‌هاست، در مورد من هر صحبتی را مطرح کنند.»

البته اینکه چینی گل محمدی همه این ۶۰۰ میلیون تومان را صرف امور خیریه کرده باشد، قابل باور است و جای تقدیر دارد اما ماجرا تعرفه‌های عجیب برنامه‌های نوروزی تلویزیون و شبکه نسیم است که نشان می‌دهد چه پول‌هایی برای میهمانان هزینه می‌شود. مشخص است که شبکه‌های یک، دو، سه، نسیم و چند شبکه دیگر، حسابی برای میهمانان نوروزی، هزینه‌های این چنینی کرده‌اند.

▼ ملی پوشان میلیاردری

یکی از اتفاقاتی که طی پنج سال اخیر رخ داده درآمد میلیاردری بازیکنان فوتبال از حضور در برنامه‌های تلویزیونی است. ستاره‌های فوتبال در سال ۱۴۰۳ به‌خصوص در ویژه‌برنامه نوروز ارقام متفاوتی را دریافت کردند. اگر بازیکن ملی‌پوش باشد کمتر از یک میلیارد تومان نمی‌گیرد و سر این مبلغ اصلاً تخفیف نمی‌دهد. سال پیش یکی از بازیکنان تیم ملی فوتبال که در فصل جدید با انتقالی جنجالی به یکی از تیم‌های متمول شهرستان رفته، مبلغ ۶۵۰ میلیون تومان بابت ۲۵ دقیقه حضور در یکی از برنامه‌های تلویزیونی دریافت کرد. او قول داده بود که اگر تیم تهرانی به مقام قهرمانی برسد، برنامه بعدی را رایگان بباید و آهنگی هم بخواند اما با وجود قهرمانی تیمش زیر قولش زد و نیامد. یکی دیگر از ستارگان فوتبال اخیراً با وجود پیشنهادی ۳۰۰ میلیون تومانی نپذیرفت تا در آن برنامه شبکه سه شرکت کند چرا که عقیده داشت، نباید ارقام ملی پوشان را برای حضور در تلویزیون شکیست. با پتانسی تیم شما، یک بر صفر به سود سرخوشتا کمتر از ۴۰۰ میلیون تومان دریافت نکرد. حضوری ۶۰ دقیقه‌ای در ویژه‌برنامه‌های نوروزی با حضور اسپانسرهای قدر، باعث شد تا بار دیگر ستاره‌های فوتبال به درآمد خوبی از حضور در این برنامه‌ها برسند. کشتی‌گیرهای ملی‌پوش که سابقه مدال طلا، نقره و برنز در مسابقات المپیک را دارند اما به مراتب کمتر از فوتبالیست‌ها دریافتی دارند. مشهورترین چهره این روزهای کشتی ایران معال ۵۰۰ میلیون تومان را «سکه بهار آزادی» دریافت کرد. البته سکه‌ای که پیش از عید نوروز ۷۸ میلیون تومان بود. دیگر کشتی‌گیران ملی‌پوش نیز با حضور در برنامه‌های نوروزی ارقامی بین ۱۰۰ تا ۱۴۰ میلیون تومان دریافت کردند. بازیکنان تیم ملی فوتبال نیز در بیشترین حالت مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان گرفتند.

▼ درآمد چندبرابر فوتبالی‌ها از پلنفرم‌ها

کمتر از یک دهه اخیر که پلنفرم‌ها روی کار آمدند تا با ساختن برنامه‌های متفاوت، مخاطبان بیشتری را به سمت خود بکشند، به دلیل هجوم اسپانسرهای متمول، دست‌شان برای جلب رضایت فوتبالی‌ها بیش از تلویزیون باز بوده است. به‌طور مثال براساس آنچه حامد آهنگی در برنامه خودش در یکی از پلنفرم‌ها اعلام کرد این بود که در برنامه شب‌های مافیا برای شش قسمت در مجموع ۷۰ میلیون تومان دریافت کرد. این مسابقه برای سه سال پیش است که مبلغ ۷۰ میلیون تومان بسیار قابل توجه بود. در همان برنامه که افشاکاری در مورد دستمزدها بود، شقایق دهقان نیز اعلام کرد کمی بیشتر از ۷۰ میلیون تومان بابت بازی در شب‌های مافیا دریافت کرده است. به‌مور فوتبال‌لیست‌ها و مربیان دیگری نیز در این برنامه‌ها شرکت کردند که به‌طور میانگین دستمزدی به‌مراتب بالاتر از حضور در تلویزیون دریافت می‌کنند. این گزارش، در نقد میالغ دریافتی توسط ستاره‌های فوتبال نیست چراکه درآمد ستاره‌های دنیا اعم از هنر و ورزش امری طبیعی است اما باید تناسبی بین میزان مخاطب‌البت‌ه‌دولتی بودن برنامه‌های تلویزیون و میالغی که پرداخت می‌شود نیز وجود داشته باشد.

کتابخانه

تصویری عمیق از تنهایی و پشیمانی

رمان «شاه لیر استپها» نوشته ایوان سرگی بوچ توگنیف، با ترجمه بلدا بیدختی‌نژاد در ۱۳۶ صفحه و با قیمت ۱۱۰ هزار تومان توسط نشر برج منتشر شده است. «شاه لیر استپها» طبع آزمایی ایوان توگنیف است به سبک شکسپیر؛ روایتگر داستان مردی در استپ‌های روسیه که روزگاری ثروتمند و صاحب‌نفوذ بوده، اما اکنون پیر و تنه‌است و همچون شاه لیر در تلاش است تا معنای زندگی و عشق از دست‌رفته‌اش را بازیابد. داستان، روابط پیچیده میان مرد و دودخترش را به تصویر می‌کشد؛ دخترانی که هرکدام به‌نوعی باعث شکست روحی او می‌شوند. توگنیف در این اثر تصویری عمیق از تنهایی، پشیمانی و سرنوشت



شاه لیر استپها
نویسنده: ایوان سرگی بوچ توگنیف
مترجم: بلدا بیدختی‌نژاد
انتشارات: برج

انسان ارائه می‌دهد. «شاه لیر استپها» شاید در مقایسه با رمان‌های بلند توگنیف، اثری کوتاه باشد اما در عمق و تأثیرگذاری چیزی کم ندارد. این داستان، با روایتی ساده و در عین حال پر معنا، خواننده را به سفری درونی دعوت می‌کند که تا مدت‌ها در ذهن اوباقی می‌ماند. توگنیف در این اثر به‌طور پرش‌هایی عمیق درباره اعتماد، قدرت و مسئولیت خانوادگی می‌پردازد؛ از جمله اینکه آیا می‌توانیم به کسانی که دوست‌شان داریم، بی‌چون‌وچرا اعتماد کنیم؟

تاریخ

مباران شیمیایی مریوان



شهرهای مرزی ایران در دوران جنگ تحمیلی بارها هدف حملات شیمیایی قرار گرفتند و رژیم عراق در این حملات ۲۸۶ بار از تاول‌زاها، ۱۴۳ بار از عوامل اعصاب، ۸۱ بار از سیانور و

عوامل خونی، ۴۸ بار از خفه‌کننده، ۸ بار از ناپالم و ۶ بار از وی‌ایکس استفاده کرد. مریوان و روستاهایش هم در دوران جنگ بارها مورد تجاوز قرار گرفتند. نخست در اسفندماه ۱۳۵۹، هواپیماهای جنگی عراق با بمب‌های ناپالم آتش‌زای آمریکایی، مریوان را بمباران کردند. سال بعد در ۸ آذرماه ۱۳۶۰، عراق دوباره به مریوان حمله کرد. در اسفندماه سال ۱۳۶۶، یعنی چند ماه بعد از بمباران شهر سردشت توسط بعثی‌ها و سکوت جوامع بین‌المللی و با دستور حمله صدام، نیروهای عراقی به شهر حلبچه حمله کردند. در عین حال در همان روز که عراق، حلبچه را بمباران کرد، یعنی در ۲۱ فروردین‌ماه ۱۳۶۷ روستاهای مرزی شهر مریوان را نیز بمباران شیمیایی کرد. این رفتار ضدبشری ۱۲۰ شهید و بیش از هزار نفر مجروح در پی داشت. با این همه این واقعه در سایه فاجعه حلبچه ماند و رسانه‌ها کمتر بدان پرداختند.